

احکام و تعالیم فردی - نوشتن وصیت نامه

حضرت بهاء الله



نوشتن وصیت نامه

حضرت بهاء الله:

1 - " قد فرض لكلّ نفس كتاب الوصية وله أن يزين رأسه بالاسم الأعظم ويعترف فيه بوحدانية الله في مظهر ظهوره ويذكر فيه ما أراد من المعروف ليشهد له في عوالم الأمر والخلق ويكون له كنزاً عند ربه الحافظ الأمين " (كتاب اقدس - بند 109)

2 - " سؤال : آیا شخص می تواند در کتاب وصیت از اموال خود چیزی قرار بدهد که بعد از وفات او در امورات خیریه صرف شود به غیر اداء حقوق الله و حقوق ناس یا آنکه جز مخارج کفن و دفن و حمل نعش حقّ ندارد و ما بقی اموال کما فرض الله به وراثت میرسد.

جواب : انسان در مال خود مختار است اگر بر اداء حقوق الهی موفق شود و همچنین حقّ الناس بر او نباشد آنچه در کتاب وصیت بنویسد و اقرار و اعتراف نماید مقبول بوده و هست. قد اذن الله له بأن يفعل فيما ملّكه الله كيف يشاء. "

(رساله سؤال و جواب، 69)

3 - " سوال دیگر آنجناب آیا نفسی مختار است در مال خود با بودن ذریه و سایر ورثه ، ترکه و مایملک خود را بدیگری و یا بیک نفر از ورثه مصالحه و یا هبة نماید و سایر ورثه را بی بهره کند و یا نمیتواند . هَذَا مَا نَزَلَهُ الْوَهَّابُ فِي الْجَوَابِ هُرْ نَفْسِي فِي مَالِ خَوْدِ مَخْتَارِ اسْتِ يَفْعَلُ فِيهِ كَيْفَ يَشَاءُ . تا حکم عقل بر او صادق اختیار از او سلب نه . هَذَا مَا حَكَمَ بِهِ اللهُ "

(ص ۱۱۴ گنجینه حدود و احکام)



TABLET

و در جواب سؤال مشابه دیگری میفرماید :

4 - " هر نفسی در اموال خود مختار بوده و هست چه اگر اختیار منع شود عزّ وجود محو گردد در یک مقام عزّت عباد باموال بوده و هست " (ص ۲۰۹ ج ۴ امر و خلق)

حضرت عبدالبهاء:

1 - " اما مسأله میراث . این تقسیم در صورتیست که شخص متوفی وصیتی ننماید آنوقت این تقسیم جاری گردد ولی هر نفسی مکلف بر وصیت است بلکه فرض و واجب است و صریح نصوص الهیه است که در حالت صحت خویش باید حکماً وصیت نماید و بحسب میل خودش هر نوعی که بخواهد وصیت کند و آن وصیتنامه را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد. در این صورت شخص متوفی میدانی وسیع دارد که در زمان حیات خود بهر قسمی که میل دارد وصیت نماید تا مجری شود و عَلَيكُمُ الْبَهَاءُ الْأَبْهَى " (ص ۳۷۲ ج ۳ مکاتیب حضرت عبدالبهاء)

2 - " انسان مختار مطلق است و هر قسم بخواهد بموجب وصیت نامه اموال را در ایام خویش بین وراثت تقسیم مینماید و توزیع میکند که بعد از او مجری گردد . وصیت فرض بر کلّ است یعنی هر نفسی باید در ایام حیات خویش وصیتی محکم و متین و صریح بنویسد و مهور و مستور نماید و در محلّ بسیار امنی محفوظ دارد و در وصیت مختار است و وصیتنامه معمولاً به و مقدم بر هر حکمی است و نفسی مقتدر بر تغییر و تبدیل نیست در اینصورت اگر جمیع اموال را باولاد خویش دهد مقتدر است . اما اگر نفسی اطاعت امر نکند و وصیتنامه ننویسد و این تکلیف الهی را مخالفت نماید و یا آنکه وصیتنامه از میان برود اموال او بر حسب اسهام مفروضه تقسیم شود و فی الحقیقه این حکم مبرم اعظم حکمتش اینست که نفسی بی وصیتنامه نفس نکشد. ملاحظه میفرمائید که از جهت عدم وصیتنامه میراث بتمامها بر خلاف رضای مورث توزیع و تقسیم و تفریق میشود و چه مشکلاتی و منازعاتی حاصل گردد ولی وصیتنامه قاطع هر نزاعی و سبب راحت کلّ زیرا انسان بحسب آرزو و خواش خویش وصیت مینماید. چقدر خوش است که اموال موروثه تماماً برضا و آرزومندی مورث تقسیم شود و توزیع گردد. ملاحظه کنید که بسیار نفوس قبل از وفات از ممت خویش چقدر مضطربند حال این حکم الهی یعنی فرضیت و وجوب وصیت نامه قبل از فوت حلّ جمیع این مشکلات گردد " (ص ۱۱ - ۲۰۹ ج ۴ امر و خلق)

3 - " این مسأله وصیتنامه احباً را بسیار اهمیت بدهید که از الان اهمیّتش ظاهر و عیان شود تا دستور العمل بجهت آینده گردد " (ص ۲۰۶ ج ۴ امر و خلق)

حضرت ولی امر الله:

۱- راجع بوصیتنامه ، خود افراد نفوس در این خصوص مختارند و بر محفل روحانی تأیید و اجرای آن واجب در صورتیکه مخالف مصالح امریه چیزی در آن نباشد " (ص ۱۱۶ گنجینه حدود و احکام)

بیت العدل:

۱- " احکام مربوط به ارث فقط در صورتی مجری می گردد که شخص متوفی وصیت نامه بجا نگذاشته باشد . در کتاب مستطاب اقدس (بند ۱۰۹) امر به نوشتن وصیت نامه نازل گشته است . در جای دیگر صریحاً می فرمایند که هر فردی بر ما یملک خود اختیار تام دارد و آزاد است هر طور اراده نماید وصیت کند که ارث او بین هر کس ، خواه بهائی یا غیر بهائی ، تقسیم شود (سؤال و جواب ، فقره ۶۹) . در توفیقی که حسب الامر حضرت ولیّ امرالله صادر شده توضیحات ذیل مندرج است : گرچه احباء مجازند در وصیت نامه ما یملک خویش را به اراده خود تقسیم نمایند، اما اخلاقاً و وجداناً موظفند که در نوشتن وصیت نامه دستور جمال مبارک را در مورد اثرات ثروت در جامعه همیشه در نظر گرفته و آن را مراعات نمایند و از جمع مال به حد افراط و تمرکز آن در بین افرادی معدود و یا گروه هائی محدود اجتناب نمایند . (ترجمه) آیه مذکور در کتاب اقدس مقدمه قسمت مفصّلی است که در طی آن جمال قدم جزئیات احکام ارث را تشریح می فرمایند . در مطالعه این قسمت باید در نظر داشت که گرچه چنین بر می آید که این حکم در موردی است که شخص متوفی مرد باشد ولی فی الجمله احکام مزبور در مورد زنان متوفی نیز قابل اجرا است . اصول احکام ارث که طبق آن دارائی شخص متوفی بین هفت طبقه (اولاد ، همسر ، پدر ، مادر ، برادران ، خواهران و معلمین) تقسیم می شود بر پایه احکامی استوار است که حضرت نقطه اولی در کتاب مبارک بیان نازل فرموده اند . تفصیل عمده احکام ارث ، در صورت فقدان وصیت نامه ، از این قرار است

۱- در صورتی که شخص متوفی ذریه داشته و ماترک او شامل خانه مسکونی نیز باشد ، خانه مسکونی به پسر ارشد می رسد (سؤال و جواب فقره ۳۴) .

۲- در صورتی که شخص متوفی فرزند ذکور نداشته باشد ، دو ثلث خانه مسکونی به ذریه دختر و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقرات ۴۱ و ۷۲) . در باره اینکه در این مقام مراد بیت العدل اعظم یا بیت العدل محلی است به یادداشت شماره ۴۲ مراجعه شود . (به یادداشت شماره ۴۴ نیز مراجعه شود) .

۳- ما بقی دارائی شخص متوفی بین هفت طبقه وراثت تقسیم می شود . جزئیات مربوط به سهم هر گروه در رساله (سؤال و جواب) ، فقره ۵ و جزوه (تلخیص و تدوین حدود و احکام) ، قسمت د ، ۱-۳-۳- مندرج است .

۴- در صورتی که تعداد وراثت موجود در هر طبقه بیش از یک فرد باشد ، سهم آن طبقه بالسویه بین آنها ، اعم از زن و مرد ، تقسیم می شود .

۵- در صورتی که ذریه موجود نباشد ، سهم اولاد به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقرات ۷ و ۸۱) .

۶- در صورتی که ذریه موجود ولی سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً مفقود باشند ، دو ثلث سهام آنان به ذریه و ثلث دیگر به بیت العدل راجع است (سؤال و جواب ، فقره ۷) .

۷- در صورت فقدان تمام طبقات مصرّحه ، دو ثلث ماترک به خواهرزاده‌ها و برادرزاده‌های شخص متوفی می رسد . اگر آنها نیز نباشند سهمشان به عمّه ، خاله ، عمو و دائی راجع می شود و در صورتی که آنها هم حیات نداشته باشند به فرزندانشان می رسد . در هر حال ثلث باقی مانده به بیت العدل راجع است .

۸- در صورتی که همه طبقات فوق الذکر مفقود باشند ، تمام دارائی شخص متوفی به بیت العدل راجع است .

۹- حضرت بهاءالله می فرماید که نفوس غیر مؤمن از والدین یا منسوبین بهائی ارث نمی برند (سؤال و جواب ، فقره ۳۴) . حضرت ولیّ امرالله در توقیعی که حسب الامر مبارک مرقوم گشته چنین می فرماید : این امر منحصرأً محدود به مواردی است که

شخص بهائی بدون وصیّت نامه فوت کند و لا جرم ما ترک او بر طبق کتاب اقدس تقسیم شود . در غیر این صورت فرد بهائی مختار است ما یملک خود را به هر شخصی بدون ملاحظه دیانت ببخشد مشروط بر اینکه وصیّت نامه‌ای تنظیم و نیّت خود را تعیین کرده باشد . بنابراین ملاحظه می کنید که شخص بهائی همواره می تواند برای زوجه یا اولاد و یا منسوبان غیر بهائی خود در وصیّت نامه سهمی منظور دارد . (ترجمه) " (کتاب اقدس - شرح 38)

2 - " طبق تعالیم جمال اقدس ابهی احباء به نوشتن وصیّت نامه موظّفند و اختیار دارند که دارائی خود را به میل خویش تقسیم نمایند (یادداشت شماره ۳۸) . حضرت بهاءالله در مورد نوشتن وصیّت نامه می فرماید : انسان در مال خود مختار است ... قد اذن الله له بان يفعل فیما ملّکه الله کیف یشاء (سؤال و جواب ، فقره ۶۹) . مقرّراتی که در کتاب مستطاب اقدس جهت توزیع ارث وضع گردیده راجع به مواردی است که وصیّت نامه موجود نباشد (یادداشت های شماره ۴۸-۳۸) "

(کتاب اقدس - شرح 136)

3 - " همان طور که در یادداشت شماره ۳۳ توضیح داده شده ، اسم اعظم الهی به صورتهای مختلف آمده و ریشه همه آنها کلمه " بهاء " است . بهائیان مشرق زمین صدر وصیّت نامه را به عباراتی مانند یا بهاء الأبهی ، بسم الله الأبهی ، هو الأبهی مزین ساخته و از این راه حکم کتاب مستطاب اقدس را اجرا نموده اند " (کتاب اقدس - شرح 137)